هفته نامه خبری-فرهنگی

امرداد

بی مرگی و جاودانگی

Amordad

An Iranian weekly Cultural newspapare

Amordad □vol.3□No.65
□Tuesday □Apr.15.2003
□ 1000 rials

□ ۸ صفحه □ شماره مسلسل ۶۵ □ سال سوم
□ اسفند ایزد و فروردین ماه ۱۳۷۱ دینی زرتشتی □ سه شنبه
□ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۸۲ خورشیدی □ تکشماره ۱۰۰۰ ریال

در آخرین نشست کنکاش یگانگی عنوان شد:

سال ۱۳۸۲؛ سال همازوری زرتشتیان ایران

حکایت نامه مجموعه‌ای از حکایت‌ها و متون ادبی کهن فارسی، برنده جایزه نخست نمایشگاه کتاب بولونیا، ۱۳ تا ۱۶ فروردین ۱۳۸۱، ایتالیا

۴

در روزهای نوروزی آتشکده یزد روزانه چهار هزار نفر بازدید کننده داشت

۸

نیکی کن تا نیکی ببینی

رودرور با ملک دخت بهار

۷

بازی های بزرگان

خسرو بهدین

۷

در این شماره:

خوب بود که آدم با همین آزمایش‌هایی که از زندگی دارد می‌توانست دوباره به دنیا بیاید و زندگی خودش را از سر نو اداره کند.

صادق هدایت

اندیشه ۵

جایگاه نوروز در میان ایرانیان

دکتر میر جلال‌الدین کزازی

ادب و هنر ۴

اولین تیر روز سال

کورش قاسمیان

چکاچک ۶

یک خواننده لوس آنجلسی در انجمن

منصور

انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران ۱۹ فروردین ماه برگزار شد

همین صفحه

پس از یکسال انتظار

همایش جوانان زرتشتی سرانجام در کرمان برگزار خواهد شد

۴

سی امین دوره پیکارهای جام یگانگی دیدارهای پایانی و رده بندی برگزار نشد

۴

ماهنامه «اسفند» منتشر شد

۴

سخن نخست

بالاخره رژیم بعثی عراق بدون پشتوانه مردمی بیش از ۲۱ روز در برابر ارتش ائتلاف نتوانست ایستادگی کند و فروریخت و حکومت استبدادیش با تحمیل هزینه های بسیارزیادی برای مردمش از هم پاشید و خود صدام سرنوشت نامعلومی یافت . اما ازآن بدتر سرنوشت نامعلوم مردم عراق است که به خاطر اینکه نتوانستند خود سرنوشت خود را تعیین کنند مجبور شدند با تحمل بیشترین هزینه و در بدترین شرایط ناظر سرنگونی حکومتشان باشند .

هرج و مرج هایی که بلافاصله در شهرهای عراق برقرار شد جدای از اینکه نشان ازبی قراری ، عصبانیت و حتی شاید عقب ماندگی فرهنگی اعراب قادسیه‌ای دارد ،بی شک تبعات بسیار منفی در آینده اقتصاد این مردم خواهد داشت که بهای همه آنها را باز هم مردم عراق خواهند پرداخت .

امادرجمع، مردم عراق راضی خواهند بود چرا که برای ساختن نیازبه «طرحی نو» در انداختن داشتند و این نکته عملی نمی شد مگر باتخریب ریشه ای هرآنچه تصور می کردند دارند.

آنچه دراین میان با جامعه زرتشتیان ایران قابل مقایسه است ، همین نکته است که اگر تار و پود کارهای جماعتی به هم نمی‌رسد و اگر همیشه بافته هامان از هم باز می شود علت را باید در جایی جستجو کنیم که زمانی طولانی با ما فاصله داشته و شاید ایجاد تغییر در آن مستلزم پرداخت هزینه‌های زیادی باشد.

از سوی دیگر ، تبعات اقتصادی جنگ عراق را آنچنان که تا به امروز تجربه کرده ایم ، باید در ماههای نه چندان دور آینده ببینیم . پایین آمدن قیمت نفت اوپک بزرگترین علت برای نگرانی از دورنمای اقتصادی خواهد بود.

جوانان زرتشتی در حالی که سال هاست با بلای بیکاری دست و پنجه نرم می کنند گوشه چشمی به مهاجرت دارند که در شرایط فعلی باید آن را بهترین راه حل گریز از مشکلات دانست ؛ وگرنه راه های دیگری هم برای گریز هست که ازآن‌جمله می توان به اعتیاد ، خروج از جامعه دینی زرتشتی ، پیوستن به گروه های درویشی اشاره کرد که خوشبختانه نمونه های بسیار کمی دارد.

سالمندان زرتشتی نیز در این میان بیشترین ضربه را خواهند دید در حالی که خانواده های پر جمعیت زرتشتی که اینروزها با توجه به تعریفی که از فقر شده ، بیشتر زیر خط فقر به سر می برند را نیز نباید از یاد برد. توجه به همه این امور نیاز به یک سازمان منسجم و مردمی دارد که متاسفانه کمبود آن احساس می شود . انتخابات میان دوره ای انجمن زرتشتیان تهران هم نشان داد که مردم رضایتی از اقدامات انجام شده ندارند .

چنانچه نمایندگان انجمن ها و به خصوص انجمن زرتشتیان تهران بخواهند به سمتی بروند که رضایت مردم را به همراه داشته باشد نخستین گام نشان دادن همبستگی و همازوری و مهمترین اقدام به جریان در آوردن پولهای بلوکه شده در حساب های انجمن است در جهت منافع بلند مدت جمعی و بخصوص جوانان .

در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد

گروه خبر امرداد تهران : انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران در حالی با حضور بسیار کمرنگ همکیشان برگزار شد که کشمکش‌ها و منازعات هموندان این انجمن روند تصمیم گیری و امور اجرایی را دچار اختلال کرده است .

به گزارش خبرنگار امرداد ، انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران برای برگزیدن ۴ هموند اصلی و ۷ نفر جانشین (علی‌البدل) پس از استعفای ۷ نفر از هموندان هیات مدیره در سال گذشته، روز ۱۹ فروردین ماه و همزمان با جشن فروردین گان برگزار شد.

این انتخابات که زمزمه برگزاری آن از ماه‌ها پیش به گوش می‌رسید ، قرار بود تا روز ۱۹ اسفندماه سال گذشته برگزار شود که با حدنصاب نرسیدن مجمع همگانی عادی به طور فوق‌العاده نوبت نخست در این روز ، برگزار نشد.

پیش از نوروز و در حالی که رستم‌آبادیان رئیس هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران در گفتگویی با خبرنگار امرداد ، خبر از برگزاری این انتخابات در روز آدینه ۲۲ فروردین داد ، در واپسین نشست هیات مدیره در سال ۸۱ تصمیم گرفته شد تا این انتخابات در روز ۱۹ فروردین برگزار شود .

سکوتی همرنگ فریاد!

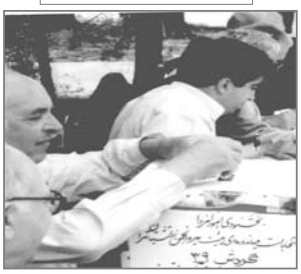

مجمع همگانی عادی به صورت فوق‌العاده در روز دوشنبه ۱۸ فروردین‌ماه برای برگزیدن هیات نظارت بر انتخابات و معرفی نامزدهای هموندی در هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد . این در حالی بود که تا روز ۱۷ فروردین یعنی آخرین مهلت برای نامنویسی داوطلبین ، تنها ۱۰ نفر نامزد این پست شده بودند در حالی که انتخابات برای برگزیدن ۱۱ نفر برگزار می‌شود و از آن زمان مشخص شد که رأی‌گیری تنها برای تعیین هموندان اصلی و جانشین صورت می گیرد و نه برگزیدن آن‌ها .

این مجمع نیز با بی‌تفاوتی جامعه و تنها با ۴۳ نفر در تالار خسروی برگزار شد که نیمی از آنان را هموندان هیات‌مدیره انجمن زرتشتیان تهران و نامزدهای هموندی در این هیات مدیره تشکیل می‌دادند .

سرانجام انتخابات در روز ۱۹ فروردین ماه برگزار شد که هیات نظارت بر انتخابات شامل مهرداد آبادیان ، مهران خورشیدیان ، شاه فریدون بنداری ، اردشیر پشوتنی و دینیار خسروی نتایج شمارش آرا را به این صورت اعلام کرد:

از ۲۸۲ رأی گرفته شده در دو صندوق تالار خسروی و قصر فیروزه ، دو رأی باطل شد و از میان ۲۸۰ رأی باقی مانده ، سهراب بهمنش با ۱۵۲ رأی ، اردشیر فرهمند یزدی با ۱۴۹ رأی ، گیتی نمیرانیان با ۱۲۶ رأی و زرین خسرویانی با ۱۱۸ رأی به ترتیب به عنوان ۴ نفر هموند اصلی به جمع ۱۷ نفر هموند پیشین انجمن اضافه شدند .

تنها ۱۰ نفر نامزد این پست شده بودند در حالی که انتخابات برای برگزیدن ۱۱ نفر برگزار شد

همچنین به ترتیب آرا کیخسرو کیانی ، اردشیر کیانی ، کیامرز افشاری ، بهرام رشیدی ، پریوش رشیدی و مهین‌بانو کریمدادی به عنوان ۶ نفر هموند جانشین معرفی شدند .

این گزارش می‌افزاید : با وجود اینکه انجمن زرتشتیان تهران دلیل برگزیدن روز ۱۹ فروردین ماه برای این انتخابات را حضور هر چه بیشتر همکیشان اعلام کرده بود ، اما عملاً و در روز رأی‌گیری آرای کمی به صندوق‌ها ریخته شد تا شاید جامعه با این سکوت ، اعتراض خود را به گوش مسئولان رسانده باشد . سکوتی که از هر فریادی رساتر بود .

تنها مدارک مورد تایید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش است

دانشگاه هاوایی هم مورد تایید نیست

ایسنا: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: موسسه غیرقانونی موسوم به دانشگاه بین‌المللی هاوایی مورد تایید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیست.

به گزارش ایسنا ، معاونت دانشجویی وزارت علوم در ادامه آورده است: با توجه به مراجعات مکرر مردمی و نیز تبلیغات گسترده موسسه غیر قانونی موسوم به دانشگاه بین المللی هاوایی به اطلاع می‌رساند موسسه یاد شده با عنوان انگلیسی (American University of Hawaii) و شعبات آن فاقد اعتبار بوده و مدارک صادره از آن غیر قابل ارزشیابی می باشد ، به همین خاطر به کلیه متقاضیان ادامه تحصیل در خارج از کشور با شعبات احتمالی دانشگاه‌های خارجی توصیه می شود قبل از هر گونه اقدامی در خصوص اعتبار دانشگاه مورد نظر و چگونگی ارزشیابی مدارک صادره از آن از اداره کل امور دانش آموختگان در معاون دانشجویی وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری آگاهی های لازم را کسب نمایند.

اینجا، آنجا

ده شب با تاریخ ایران :

۱ـ دوشنبه یک اردیبهشت ۸۲ «تاریخ ایران را چگونه بررسی کنیم ؟»
سخنران : **دکتر محمد اسلامی ندوشن**

۲ـ دوشنبه ۸ اردیبهشت ۸۲:« تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در دوره مادها»
سخنران : **دکتر هرمیداس باوند**

۳ـ دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۸۲ « پهلوانی در تاریخ ایران» سخنران : **دکتر کتایون مزداپور**

۴ـ دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۸۲ « تکوین و تحول زبان‌های ایرانی میانه »
سخنران : **دکتر محمد تقی راشد محصل**

۵ـدوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۸۲ « تاریخ اساطیری ایران» سخنران : **دکتر ژاله آموزگار**

۶ـدوشنبه ۵ خرداد ۸۲ « تاریخ ایلام »
سخنران : **دکتر عبدالمجید ارفعی**

۷ـ دوشنبه ۱۲ خرداد ۸۲ « صفویه در تاریخ ایران » سخنران : **دکتر احسان اشراقی**

۸ـدوشنبه ۱۹ خرداد ۸۲ « سلسله قاجاریه : از ایل نشینی تا انقراض»سخنران :**دکتر ناصر تکمیل همایون**

۹ـ دوشنبه ۲۶ خرداد ۸۲« جنگ جهانی اول در فارس» سخنران : **دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی)**

۱۰ـدوشنبه ۲ تیر ۸۲ « گلگشت ایران »
سخنران : **دکتر ایرج افشار**

ساعت ۱۷ تا ۱۹ در خانه هنرمندان ایران

نشانی : ایرانشهر شمالی ، خیابان موسوی ، باغ هنر

• • • • • •

برای نخستین بار امتحانات بین المللی زبان انگلیسی IELTSبا همکاری بریتیش کاونسل (British Council) دانشگاه کمبریج انگلستان اردیبهشت ماه سال ۸۲ در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌شود.

• • • • • •

با توجه به تمدید شرکت در مسابقه بزرگ نامه‌ای به خدا، دبستانی‌ها می‌توانند تا پایان فروردین نامه‌های خود را با خط خودشان و حداکثر در ۵ خط به نشانی : تهران ـ صندوق پستی ۱۵۵۵ـ۱۹۳۹۵ ارسال دارند . تلفن ۲۱۶۵۲۲۲ ـ ۲۱۶۵۲۳۰ پاسخگوی شماست .

• • • • • •

در نگارخانه سعد آباد آثار نقاشی های قهوه خانه ای ایران از ۲۰ تا ۳۱ فروردین ماه به مدت ۱۱ روز همه روزه از ساعت ۴ پسین تا ۸ شب در معرض دید دوستداران قرار دارد .

برای آگاهی بیشتر با شماره تلفن ۲۷۲۶۰۴۲ تماس بگیرید.

در میان رسانه‌ها

هرگز به اسلحه دست نبرید

سرویس اجتماعی **خبرگزاری دانشجویان ایران** - تهران در تاریخ هفتم فروردین ماه امسال مصاحبه ای با توران شهریاری داشت که در برخی از مطبوعات نیز بازتاب داشت،این خبرگزاری از قول این شاعر ایرانی نوشت:

زرتشت در بخشی از گاتها که سخنان او در آن درج شده، می گوید: " هرگز به اسلحه دست نبرید، مگر برای دفاع از خود؛ یعنی هرگز در دین زرتشت دستور هجوم به دیگری داده نشده است."

"توران شهریاری"، شاعر زرتشتی، همزمان با سالروز تولد "زرتشت" (ششم فروردین ماه) در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا با بیان مطلب بالا درباره دیدگاه زرتشت نسبت به برقراری صلح در جهان، گفت: "زرتشت خود دشمنان زیادی داشت، ولی هرگز با دشمنانش مبارزه نکرد، بلکه به جای جنگ همیشه با منطق و خرد آن‌ها را آرام می‌کرد."

وی درباره آیین و آداب زرتشتیان در نوروز و زمان تولد زرتشت، گفت: " در این روز زرتشتیان همچون آیین گذشتگانشان سفره شادمانی همچون "سفره نوروزی" می‌اندازند و غذاهای خوب بر این سفره است؛ تا جایی که یادم می‌آید در این سفره آب آلو، کاهو، فالوده، سبزی، شربت و شیرینی می‌گذاشتند و کوچک‌ترها به منزل بزرگ‌ترها سر می‌زدند، مانند عید دیدنی؛ و به یاد تولد زرتشت شادی می‌کردند."

وی افزود:" روز ششم فروردین‌ماه زرتشتیان در یک سالن بزرگ دور هم جمع می‌شوند، سخنرانی می‌کنند، موبدان اوستا می‌خوانند و بچه‌ها هنرنمایی می‌کنند و تمام صحبت‌ها روی شخصیت و آیین زرتشت است."

تاثیر ادیان از عید زرتشتیان

روزنامه **همشهری** جمعه تاریخ ۲۲ فروردین مطلبی آورده بود از شادی وطن پرست‌در باره فرودگ که خواندنی است:

روز نوزدهم هر ماه، "فروردین روز" نام دارد و همزمانی این روز با ماه فروردین، جشن "فروردینگان" یا "فروردگان" است.

در این روز زرتشتیان به عبادتگاه رفته و اوستا می خوانند و به عبادت اورمزد (دانای مطلق)می پردازند و برای شادی روان گذشتگان و جهت ساخت ساختمان های همگانی (مدرسه، بیمارستان و . . .) و رفع احتیاج نیازمندان با دادن پول یا مساعدت های دیگر اقدامات لازم را معمول می دارند. نظیر این جشن در ادیان دیگر نیز وجود دارد که آن را جشن اموات می گویند و نزد هندوان، ستایش روان نیاکان "پیتارا" (Pitara) است که شبیه فروردینگان ایرانی است.

در جشن فروردینگان، پارسیان هند به آرامگاه می روند. در معبد چوب می سوزانند و بخور می دهند و موبدان با نذر میوه و گل مراسم آفرینگان (خواندن دعا) به جای می آورند. جشن فروردگان شبیه به عید Taussaint عیسویان کاتولیک است که در اول ماه نوامبر، عید اموات شمرده می شود و به یاد درگذشگان به مزارشان می روند و آنجا را با گل می آرایند.

واضح است که تمام ادیان از این عید زرتشتیان تاثیر گرفته اند.

زرتشتیان ایران در این جشن پس از عبادتگاه، به آرامگاه می‌روند و اوستا می خوانند.آتشی به پا می کنند و درونش اسپند، کندر و . . . می ریزند و بوی خوش بر آتش می نهند و هفت نوع میوه خشک از قبیل خرما، انجیر، سنجد، کشمش، برگه هلو، برگه قیسی و توت خشک که در اصطلاح آن را لرک (Lork) می‌نامند، تهیه می کنند . موبد به آنها اوستا می خواند و پس از خواندن اوستا که در واقع تبرک می شود، بین مردم تقسیم می‌کنند. علاوه بر لرک، میزد (Meyazd) نیز در این موقع آماده می شود. میزد عبارت است از میوه های تر و خوراکی هایی که برای تشریفات آفرینگان گذارده می شود. در این روز نان مقدس، که "درون" که در اوستا دره گونه (Dargona) نام دارد، می آوردند و به مردم می‌دهند . علاوه بر این نان، نان دیگری که از روغن کنجد درست می شود، نیز آماده می کنند . این نان صورک (Sooruk) نام دارد که همچنان در یزد نیز متداول است و برای خیرات از این نان می پزند. این نان شبیه به نان یهودیان است که در کوه صهیون بین افراد تقسیم می شود و مثل نان روغنی است که مسلمانان در جمعه آخر سال درست و در قبرستان بین مردم تقسیم می کنند. پس از خیرات برای مردگان، موبدان و سایر زرتشتیان آداب طهارت به جا می آورند، وضو می گیرند و دست و صورت می شویند که آن را در پهلوی "پادیاب" می گویند. اهمیت این جشن هم اکنون نیز در نزد زرتشتیان به خوبی نمودار است و هر سال با تجلیل و احترام، آداب و رسوم آن را به جا می آورند

گناه زیست و زرتشتیان

روزنامه **ایران** در شماره ۲۳ فروردین خود در گفتگویی کوتاه با دکتر کتایون مزداپور آورده است : کتایون مزداپور متولد ۱۳۳۲ یزد ، دارای مدرک دکترا در رشته فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه تهران و هم اکنون به عنوان استاد دانشگاه و پژوهشگر در پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی مشغول به فعالیت است .وی هم اکنون کتاب "گناه زیست " و "زرتشتیان"و یک مجموعه مقاله را در دست چاپ دارد.

کتاب سروش پیر مغان که به تازگی از این نویسنده و پژوهشگر به چاپ رسیده است شامل مجموعه نوشتارها در ۵ بخش است که بخش اول آن با عنوان "روزگاران گذشته" به تاریخ و مسائل تاریخی و اندیشه گذشتگان می پردازد و بخش دوم به متون و نوشته های کهن و مباحث زبانی اختصاص داشته و بخش سوم ، گفتارهایی درباره ادب و فرهنگ است. بخش چهارم از باورها و آیین های ایرانی و زرتشتی بویژه در روزگار معاصر سخن می‌گوید. وبخش پنجم هم گفتارهای ایران شناسان خارجی است و ترجمه هایی از چند نوشته دانشمندان خارجی را در بر می گیرد.

از دیگر آثار به چاپ رسیده از دکتر کتایون مزداپور :"واژه نامه گویش بهدینان"،"داستان گرشاسب و تهمورس و جمشید و گلشاه" و "روایتی از دلیله محتاله و مکر زنان" و ترجمه "شایست ، نشایست " و "برگزیده شاهنامه رجایی بخارایی"و ... است .

در آخرین نشست کنکاش یگانگی عنوان شد:

سال ۱۳۸۲ سال همازوری زرتشتیان ایران

گروه خبر امرداد. تهران :
باشندگان در هفتصدو بیست‌وسومین نشست کنکاش یگانگی با موافقت با پیشنهاد خسرو دبستانی نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی ، سال جدید را سال همازوری اعلام کردند .

به گزارش خبرنگار امرداد ، در نخستین نشست این کنکاش در سال نو خسرو دبستانی در سخنانی با انتقاد از فضای تشنج در جامعه گفت : شخصا تا هنگامی که نماینده هستم ، خط مشی من تشنج نیست . من آرامش را در جامعه می پسندم و سازندگی را .

وی افزود: پیشنهاد می‌کنم امسال سال هماز‌وری جامعه زرتشتی باشد. این پیشنهاد مورد موافقت تمامی باشندگان در نشست قرار گرفت .

انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران و حضور کم‌شمار همکیشان نیز بازتاب زیادی در این نشست داشت

پیش از این تصمیم ، این پیشنهاد از سوی مهرداد آبادیان یکی از باشندگان در نشست عنوان شد. وی از دبستانی خواست تا همازوری را در جامعه به وجود آورده و به شکوفایی برساند.

انتخابات میاندوره‌ای انجمن زرتشتیان تهران و حضور کم شمار همکیشان نیز بازتاب زیادی در این نشست داشت . فریدون گشتاسبی یکی از باشندگان در این نشست با انتقاد از برنامه‌ریزی نادرست انجمن زرتشتیان تهران برای برگزاری این انتخابات ، این مورد را یکی از دلایل شرکت نکردن همکیشان در انتخابات دانست . وی همچنین انتقاداتی به نامه‌ای که از سوی یکی از داوطلبین هموندی در هیات‌مدیره انجمن زرتشتیان تهران نوشته شده بود ، وارد کرد . وی گفت : ما در انجمن به افراد توانا نیازمندیم . تنها علاقه مسایل را حل نمی‌کند.

همچنین اردشیر فرهمند کرمانی نیز در سخنانی گفت : فردی که با این آرای کم وارد انجمن می‌شود دیگر نماینده جامعه نیست . هر کسی نمی‌تواند عضو انجمن باشد . عضو انجمن باید دلسوز ، با شعور و با نفوذ باشد .

کیخسرو کریمدادی با اظهار تأسف از عدم حضور همکیشان پای صندوق‌های رأی گفت : شایسته نیست که انجمنی که متعلق به خود ما است ، در رأی دادن به آن تردید داشته باشیم . وی اظهار امیدواری کرد تا با ورود هموندان جدید نشست‌های انجمن مرتب برگزار شده و تصمیمات در نشست رسمی گرفته شوند .

پروین یامسیان نیز در این مورد با اشاره به آرای کم برگزیدگان گفت : این درست که نمایندگان جدید با رأی کم آمدند ، اما امیدوارم انجمن این اعضای جدید را بازی بگیرد .

پیشنهاد ایجاد کمیته‌ای با نام "کمیته پیگیری مصوبات" در انجمن زرتشتیان تهران نیز از سوی پرویز شهریاری از باشندگان در نشست ارائه شد . وی همچنین برگماشتن یک مدیر برای ساختمان‌های زیر نظر انجمن تأکید کرد .

سی امین دوره پیکارهای جام یگانگی

دیدارهای پایانی و رده بندی برگزار نشد

گروه خبر امرداد. یزد: سی امین دوره پیکارهای ورزشی جام شادروان اسفندیار یگانگی که با مشکلات حاشیه‌ای فراوانی همراه بود با معرفی نفرات برتر در روز ششم فروردین ماه به کار خود پایان داد .

به گزارش خبرنگار امرداد ، در این دوره از پیکارها که روز یکم فروردین ماه آغاز شد ، شاهد مشکلات بسیاری در زمینه داوری در رشته بسکتبال بود که اعتراض بسیاری از تیم‌های شرکت‌کننده در این پیکارها را سبب شد . این اعتراضات به گونه‌ای بود که در روز پایانی این پیکارها ، دیدار رده‌بندی که قرار بود بین دو تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد (ب) و تیم فولاد کسنویه برگزار شود به دلیل حاضر نشدن تیم فولاد کسنویه در اعتراض به داوری‌های این دوره برگزار نشد و دیدار پایانی نیز که باید بین دو تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد (الف) و پارسا از تهران برگزار می‌شد با حاضر نشدن تیم پارسا باز هم به سبب اعتراض به داوری‌ها منتفی شد.

برخی از بازیکنان دو تیم فولاد کسنویه و پارسا در گفتگویی با خبرنگار امرداد ، سطح پایین کیفی داوری پیکارها و همچنین سوت‌زدن‌های جانبدارانه برخی از داوران به سود تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد را دلیل شرکت نکردن خود در دیدار پایانی و رده‌بندی اعلام کردند .

یکی از بازیکنان در این مورد به خبرنگار ما گفت : برخی از داوران از دانش‌روز داوری بسکتبال به دور بودند و نمی‌توانستند شماره‌های ۱۵ به بالا که اکنون در لیگ بسکتبال کشور نیز استفاده می‌شود را به میز داوری اعلام کنند.

وی همچنین افزود : تنها داوری هم که از هیات بسکتبال استان یزد برای داوری این پیکارها دعوت شده بود از بسگناه‌درجه یک مربی تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد بود .

این گزارش می‌افزاید : در روز پایانی و هنگام اهدای جوایز ، سه تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی الف و ب و امید سازمان و باشگاه به ترتیب به عنوان تیم‌های نخست تا سوم از سوی این باشگاه معرفی شدند .

این در حالی است که بنابر قانون ،تیمی که در میدان حاضر نشده بازنده اعلام می‌شود و بنابر این باید تیم‌های سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی (الف) ، پارسا وتیم (ب) سازمان به ترتیب در جایگاه‌های نخست تا سوم قرار می‌گرفتند .

بنابر این گزارش ، در رشته تنیس روی میز که تنها برای آقایان برگزار می‌شد ، سهراب ویرایی از اهنود قاسم‌آباد ، سروش خسروی از اهنود قاسم‌آباد و فرشید جمشیدی از سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد اول تا سوم شدند .

در رشته شطرنج مقام نخست به داریوش یزدانی از تیم آرش رسید و پرویز مهربد از مزدیسنای خرمشاه و سهراب یزدانی دوم و سوم شدند .

و در رشته والیبال نیز تیمهای ، اهنود قاسم آباد ، یاران اردشیر مریم‌آباد و اندیشه رحمت‌آباد بر سکوهای اول تا سوم قرار گرفتند.

در حاشیه :

□تیم امید سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد که به عنوان تیم سوم این رقابت‌ها معرفی شد ، در دور مقدماتی از گردونه پیکارها حذف شده بود .

□امسال برای نخستین بار در کنار برگزاری پیکارهای ورزشی ، مسابقات سبز کردن سبزه ، پخت کماج شیرین و تخم‌مرغ رنگ کنی نیز برای دوستداران برگزار شد .

پیکارهای فوتبال جام رستم خرمشاه

"آرش" با اقتدار در صدر ایستاد

گروه خبر امرداد یزد : تیم آرش (الف) با برتری کامل به مقام نخست پیکارهای فوتبال گل کوچک جام رستم که در باشگاه مزدیسنای خرمشاه برگزار شد دست یافت .

به گزارش خبرنگار امرداد ، در این پیکارها که به یادبود روانشاد رستم اخوی‌جو با همت گروه رهپویان رستم خرمشاه و به صورت هفتگی برگزار می‌شد ، تیم‌هایی از یزد و تهران حضور داشتند که پس از ۵ هفته پیکار مقدماتی ۴ تیم مرحله نهایی شناخته شدند که پیکارهای نیمه نهایی و نهایی نیز در دو هفته برگزار شد و چهره تیم‌های برتر مشخص شد .

در این دوره از پیکارها پس از تیم آرش (الف) که بر سکوی نخست ایستاد ، تیم‌های پامس از تهران و آرش (ب) از یزد موفق به کسب مقام‌های دوم و سوم شدند .

همچنین سیاوش سامانی از تیم آرش (الف) یزد به عنوان آقای گل این پیکارها دست یافت .

جوایز تیم‌های برتر این پیکارها روز ششم فروردین و همزمان با زایش اشوزرتشت توسط اردشیر نابکی رئیس انجمن زرتشتیان خرمشاه و موبد خدامراد گنجی اهدا شد. در این روز همچنین به مناسبت زایش اشوزرتشت مراسم جشن‌خوانی در تالار سرور خرمشاه برگزار شد. امسال به احترام درگذشت دو جوان ناکام در حادثه رانندگی که پیش از نوروز روی داده بود، جشنی در روز ششم فروردین در خرمشاه برگزار نشد.

پس از یکسال انتظار

همایش جوانان زرتشتی سرانجام در کرمان برگزار خواهد شد

گـــروه خبـر امرداد. کرمان:
پس از یکسال انتظار، سر انجام نخســتیـــن همایش جوانان زرتشتی در کرمان برگزار خواهد شد.

به گزارش خبرنگار امرداد، مهران غیبی مسئول روابط عمومی انجمن زرتشتیان کرمان و مسوول هماهنگی امور اجرایی همایش به صورت مستقل توسط این انجمن برگزار شود.

غیبی در ادامه سخنان خود زمان برگزاری همایش را در اواخر تابستان پیش بینی کرده و از تمامی زرتشتیان دعوت کرد تا با پیشنهادها و راهنمایی های خود دست اندرکاران را در برگزاری هر چه بهتر این همایش یاری کنند.

پیش از این دبیرخانه دائمی کنگره های جهانی زرتشتیان در نامه ای وظیفه نظارت بر این همایش را در گستره وظایف خود دانسته بود که با مخالفت انجمن زرتشتیان کرمان مواجه شد

همایش جوانان در گفتگو با خبرنگار امرداد با بیان این مطلب افزود: پس از دریافت نامه کتبی استانداری کرمان، شامل موافقت با برگزاری این همایش در استان کرمان، انجمن زرتشتیان کرمان می تواند به طور رسمی کار خود را در این زمینه آغاز کند.

پیش از این دبیرخانه دائمی کنگره های جهانی زرتشتیان در نامه ای وظیفه نظارت بر این همایش را در گستره وظایف خود دانسته بود که با مخالفت انجمن زرتشتیان کرمان مواجه شد و هم اکنون به نظر می‌رسد این

ماهنامه اسفند منتشر شد

گروه خبر امرداد. کرمان:
شماره نخست ماهنامه اسفند به مناسبت جشن اسفندگان در ۲۹ بهمن ماه ۸۱ در ۵۶ صفحه منتشر شد.

به گزارش خبرنگار امرداد ،صاحب امتیاز و مدیر مسوول این نشریه مهران غیبی و سردبیر آن ،آناهیتا طهمورسی زاده و گستره پخش آن در سطح بین المللی است .

این ماهنامه فرهنگی ، اجتماعی ، معلومات عمومی ، در قطع وزیری و تک رنگ بوده و شماره نخست آن شامل دو نوشتار تحقیقی با عنوان "جشن اسفندگان"و "ریشه یابی واژه کرمان به روایت دکتر برومند سعید" است .

مهران غیبی مدیر مسوول این نشریه در گفتگو با خبرنگار ما ، هدف از انتشار این ماهنامه را سعی در شناساندن فرهنگ ایرانی به جهان از طریق نوشتارهای تحقیقی و مستند عنوان کرد.

وی همچنین عنوان مقالات شماره دوم را "اردیبهشت ، ریشه ها و ارزش ها " و "ریشه یابی واژه کرمان به روایت فریدون جنیدی و "زن در اسطوره های ایران " اعلام و تیراژ ماهنامه را در حدود هزار نسخه عنوان کرد .

دست‌های کوچک اسطوره های بزرگ را زنده کردند

گروه خبر امرداد. تهران. پیمانه سروشپور:

خانم ، دختر من باورش نمیشه که جزو برگزیده های نهایی مسابقه نباشه ، ممکنه یک بار دیگه لیست را نگاه کنید و به خودش جواب بدهید.

با دقت لیست را می گردم و به نگاه سنگین و منتظر دخترک پاسخ می دهم : نه ، متأسفانه نیست .

اشک توی چشمهای کوچک و مظلومش حلقه زد ، دست و پام رو گم کردم : این دلیل نمی‌شه که نقاشی تو خوب نبوده فقط برخی از اصول نقاشی رو حتماً رعایت نکردی ، تو هنوز خیلی کوچیکی ، .. من مطمئنم که اگه بیشتر تلاش کنی ، سال دیگه جزو برنده ها هستی ، قول بده که حسابی تلاش کنی ، تا سال دیگه اسم تو رو اون بالا بخونم .....

هنوز اشک چشمهاش خشک نشده بود که لبخند روی لبهاش نقش بست . وقتی که دستهاش رو دور گردنم حلقه کرد و منو بوسید ، از این همه معصومیت و پاکی دنیای کودکانه شگفت زده شده بودم .

چقدر این مسابقه برای بچه ها اهمیت داشت و چقدر ساده می شد به دنیای پاک و سادهٔ کودکان شکل داد.

در این میان مسابقهٔ استوره ، با بهره گیری از داستانهای نغز و پربار شاهنامه و فرهنگ کهن ایرانی توانسته بود بخشی از ارزشهای اخلاقی و فرهنگ ایرانی را در دوران این کودکان نهادینه کند و بر دنیای قشنگ کودکان ، تأثیری نیک بگذارد .

آری ، مسابقه استوره توانسته بود جای خود را به خوبی در دل کودکان ایرانی باز کند ، بیش از ۱۴۰۰ اثر نقاشی در نخستین دوره از برگزاری این مسابقه تأییدی بر این موضوع بود .

در مراسم‌پایانی مسابقه استوره ، هنگامی که کودکان با شوق و ذوق برای گرفتن جایزه‌شان به سوی جایگاه می‌دویدند ، آرزو می‌کردی که ای کاش این صحنه‌ها در آینده باز هم تکرار شود . برخی از آنها از فرط کوچکی ، به زحمت شاهنامه را بلند می‌کردند ، اما توانسته بودند داستانی از شاهنامه را علاوه بر فهمیدن ، بر روی کاغذ های نقاشی به تصویر بکشند .با شوق و عجله جایزه‌ها را وارسی می‌کردند و از آن میان کتابهای داستان را برمی داشتند ، آنهایی که مدرسه می‌رفتند . همانجا غرق خواندن کتابها می‌شدند کتابهای داستانی برگرفته از شاهنامه ، که ناشران این کتاب ها دا داوطلبانه اهدا کرده بودند ، انتشارات محدودی که از سود مادی چاپ کتابهای پرفروش چون سیندرلا ، سفیدبرفی ، تن تن و بسیاری کتابهای خارجی فریبنده صرفنظر کرده و همت و توان خود را بر پای بودند که مسابقه استوره را باور کرده و در برگزاری آن همراه و همگام با برگزارکنندگانش شدند .

اندیشهٔ برگزاری مسابقهٔ استوره ، نخستین بار در کلاس شاهنامه‌خوانی بنیاد فرهنگی جمشید و در ذهن دانش‌آموختگان این کلاس شکل گرفت . آنان که رنج سی ساله فردوسی را در بنا نهادن این کاخ باشکوه دریافته بودند ، بر آن شدند تا بخش کوچکی از دینی را که نسبت به این حماسهٔ ملی احساس می کردند ، ادا کنند و با احساس کمرنگ شدن بنیان‌های شاهنامه ، به دنبال راهی برای شناساندن استوره ها و داستانهای شاهنامه گشتند.

از نونهالان و نوجوانان شروع کردند و زبان نقاشی را برگزیدند ، زبانی را که کودکان با واژه‌های آن بخوبی آشنایند و می‌توانند یافته‌هایشان را به سادگی با این زبان بیان کنند. داستان زندگی هوشنگ شاه و پیدایش آتش برگزیده شد و متن آن بصورت ساده شده در اختیار معلمان مدارس و مربیان مهدکودک قرار داده شد تا برای کودکان خوانده شود .

سپس از میان بیش از ۱۴۰۰ اثر نقاشی ، داوران مسابقه ۷۲ اثر را برگزیدند و نمایشگاهی از این آثار در سالن اجتماعات بنیاد فرهنگی جمشید برگزار شد. از این میان ۱۳ اثر به عنوان برگزیدگان برتر انتخاب شدند و در مراسم‌پایانی نیز به این عزیزان جوایزی‌که از دهش منوچهر گشتاسب فلفلی تهیه شده بود ، تعلق گرفت . برندگان نهایی در گروه سنی پیش دبستانی و اول دبستان ، مهسا پورهمت ، پارسا کشاورزیان و آرین یگانگی از مهدکودک سپند بودند .

برندگان گروه سنی (ب) یعنی دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان ، فرشید ماوندی ، رستم رستمیان ، بابک جمشیدی ، کیارش خرم‌دین از دبستان جمشیدجم و وحید نوروزپور از دبستان کوثر بودند . در گروه سنی (ج) ، دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم دبستان ، گرشاسب مهربانی و آریا خسروی از دبستان جمشیدجم ، مرجان فریبرز از دبستان گیو ، سعید محمدی از دبستان غدیر و مریم سرخوش به عنوان برترین برترینها برگزیده شدند .

داوران در گروه سنی (د) ، یعنی دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی هیچ اثری را به عنوان برندهٔ نهایی انتخاب نکردند .

در هر حال مسابقهٔ استوره در بیست وششم اسفندماه به تلاش و کار چندین ماههٔ خود پایان داد در حالی که همهٔ نگاهها به آینده دوخته است و پرسش های بی‌جوابی در ذهن همگان نقش بسته ، که آیا مسابقهٔ استوره با این سطح بازدهی بالا در سالهای آینده هم تداوم می‌یابد و یا همچون دیگر جشنواره های هنری مانند تئاتر و ... در همان ابتدای راه ، باز می‌ماند.

کودکان بسیاری به بهانهٔ مسابقهٔ استوره برخوان شاهنامه نشستند و از این خوان پر نعمت بهره ها گرفتند.

« به نام خداوند جان و خرد»را بر زبان راندند ، هنر و دانششان را همراه کرده و جان و خرد خویش در هم آمیختند.

و با پهلوانان و استوره ها شاهنامه ، همراه شدند تا فرهنگ و غرور ملی را پاس دارند.

آثاری آنچنان ارزشمند آفریدند که دیگران را واداشت تا بر آن شوند با وجود کمی سنشان که مجموعهٔ آنها را در یک کتاب منتشر سازند.

این کودکان تمامی توانشان را بکار گرفتند و اکنون به آینده می نگرند و اینکه بزرگترها چه خواهند کرد ؟

نکند انتظارشان بی پاسخ بماند ؟

نکند من به دخترک دروغ گفتم و او را به امیدی واهی دلخوش کردم ؟

نکند .....؟؟؟

یادها و یادگارها

بهرام پای خورد شده را جا می‌اندازد

بخش چهارم

در یکی از تابستانها به سبب گرمی هوا چند نفر از دکترهای بیمارستان برای هواخوری و کوه‌پیمایی به ده‌بالا که کوهپایه خنک و سرسبز نزدیک یزد است رفته بودند . در یکی از کوه‌پیمایی یکی از دکترها از بالای صخره‌ای به پایین می‌افتد و پایش به سنگی برمی‌خورد و استخوانهای پایش شکسته و خرد و خاکشیر می‌شود. دوستان چاره‌ای جز آن نمی‌بینند که او را همانجا به خانه‌ای که در ده‌بالا گرفته بودند ببرند و خود دوباره به کوه‌پیمایی بپردازند . چون حال دکتر به گمان آنان خیلی بد می‌آمد دوستان بر آن شدند که او را به یزد و به بیمارستان برسانند و اینکار را بامداد روز بعد انجام و از پای دکتر عکسبرداری نمودند . شورای پزشکان تنها راه درمان را در بریدن پای دوست خود دانستند تا بتوانند جان او را نجات دهند .

قرار بود فردای آنروز عمل جراحی با انجام شود ...دکتر ، بیمار از رویداد افتادن دوستش با خبر و به دیدن او می‌رود و از داستان بریدن پای او باخبر می‌شود . نامبرده یک مرتبه بهرام را به یاد می‌آورد و با باوری راستین به چیره‌دستی بهرام به دوست بیگانه خود پیشنهاد می‌کند ، تا رخصت دهد بهرام را به بالین او بیاورد . دکتر بیچاره که مرگ را از ازدست‌دادن پا بهتر می‌بیند و دنبال روزنه امیدی می‌گردد. پیشنهاد دوست زرتشتی خود را می‌پذیرد . بی‌درنگ بهرام که در آن زمان جوان سی ساله‌ای بود به دیدار بیمار می‌شتابد و پای دکتر را مورد بررسی مو به مو قرار می‌دهد و سپس می‌گوید : او اینکار را با اطمینان انجام خواهد داد وقتی دکترهای دیگر سرگذشت را شنیدند دوست خود را به باد مسخره گرفتند و به یادآور شدند که با چنین کاری به قاتلیارا دچار شده خواهد مرد . ولی امید به بهبودی دکتر پا شکسته را به گفته‌ها و اندرزهای دوستان بی‌اعتنا کرد . در جواب آنها گفت : بالاتر از مرگ چیزی نیست که آنرا می‌پذیرم . ولی آخرین امید داشتن دو پا را از دست نخواهم داد . دکترها به حرف دوست خود گوش نداده و میز عمل را برای پگاه فردا آماده می‌نمودند .

درست ساعت ۳ بعد از نیمروز بود که بهرام با چند تکه نخ و تخته و مقداری ضماد مشغول کار شد .

از نوک انگشت دانه دانه استخوانها را با شناسایی و چیره‌دستی هر چه تمامتر برجای خود می‌گذاشت . و با چوب و تخته و ضماد آنرا می‌بست و بی‌حرکت می‌نمود . پس از ۴ ساعت کار یکسره ، کمری راست نمود و به دکتر که زبان او را هم چندان نمی‌فهمید و به وسیله دوست هر دو ترجمه شد ، گفت : به یاری اهورامزدا کار به خوبی به پایان رسیده است .

بهرام به خانه رفت . دوستان دکتر هم تخت‌جراحی را برای پگاه فردا آماده کردند . زیرا با تمام وجودشان باور داشتند کاری که از دست زبردست‌ترین استخوان‌بند دانش آموخته بیرون است مسلم یک استخوان‌بند بی‌سواد ، شاید کم‌تجربه ، نمی‌تواند آن‌هم چنان استخوان خرد شده را به جای خود گذاشته معجزه نموده به آن بهبودی بخشد.

ادامه دارد

● بهرام: با اطمینان انجام خواهم داد .
● دکترها: امکان ندارد ، قاتلیارا به سراغت خواهد آمد.

مردم

انوشیروان مهرورزان

مج گیری خوانندگان امرداد

ضمن عرض تبریک چند نکته را یادآوری می کنم . به شماره ۱۵ امرداد ماه ۱۳۸۱ مراجعه فرمائید و مچ شما را می گیرم !

در سخن مدیر مسئول خیلی مطالب نوشته شده و "مورد مچ گیری" در ستون دوم آورده شده بود که :

"اشخاص متمولی هم بودند که می خواستند به امرداد "کمک های مالی بزرگ برسانند اما با کمال تعجب و برای نخستین بار با چراغ قرمز "امرداد برخورد کردند ! "

اما در دو شماره اخیر در صفحه آخر حرف از خیراندیشان که تاکنون امرداد را مورد پشتیبانی خویش قرار داده اند می شود و نام خیراندیشان هم چاپ شده است ! یعنی چه !

البته کار خلافی نیست حتی بعضی نشریات کاغذ و کمک هزینه آنچنانی هم می گیرند و آنچنان هم می نویسند ! و یا جاهای دیگر و باز امرداد جای شکر دارد .

و دیگر در مورد حضرات که به شمال تشریف می برند و بعد از ۱۳ و تعطیلات سروکله شان پیدا می شود و باید در خصوص این اشخاص چیزی بنویسید که باید یک عید و نوروزی هم برای این عده در نظر بگیریم که نوروزشان از ۹۰ روز هم تجاوز می کند و روزهای جمعه (بقیه ایام سرکار و یا اداره! هستند) از صبح می آیند و ناهار هم می مانند تا خوب عید دیدنی و عید خوردنی بکنند و بچه‌ها آنجا را دوست دارند و غیره و بهرحال برنامه زندگی را بهم می زنند ! و روزهای جمعه هزار گفتاری و کار داریم و نمی توانم برای مسافران عید ، عید جداگانه ای داشته باشیم و با تلفن هم می شود عید گفتنی کرده .

در روز سیزده انواع و اقسام لباس ها و آرایش ها آن هم به صورت افراطی دیده می شد و سر دیزی باز است و حیای گربه کجا رفته است . و عده‌ای سبک‌های مختلف اروپائی و آمریکائی و آفریقائی و هولولونی و غیره و غیره لباس پوشیده بودند و آرایش کرده بودند که در هیچ جشن و سرور و مهمانی و بالماسکه ! ای هم چنین قیافه‌هایی نمی‌بینیم حتی زنان مسن با موهای رنگ کرده و به دوش انداخته و خلقی به جوش انداخته ! و سینه‌ها و پستی‌ها و بلندی‌های بدن را آنچنان بیرون انداخته بودند که آدم را به یاد حلقه مفقود داروین می‌انداخت و همه بهت زده ماتم زده از کنار هم رد می‌شدند و حتی اقوام و بستگان نزدیک هم می‌دیدند و می‌گذشتند و فقط خیلی وقت می‌گذشت که ماج و بوسه‌ای رد و بدل می‌شد و عده‌ای هم ایستاده و تماشای همدیگر مشغول بودند و از صفا و همبستگی چیزی ندیدیم . و بهر حال روزنامه امرداد قابل تحسین و تمجید است و چه بگویم .

تمام نشریات صفحه و ستون بنام نامه خوانندگان دارد ولی جای چنین صفحه در امرداد خیلی خالی است و فراموش نکنید که این مجله متعلق به خوانندگان است تا جنگ سراغ ما نیامده بنویسید چون فردا دیر است درباره صندوق آتشکده هم بنویسید مثل اینکه ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند .

امرداد :

با تشکر از دقت ایشان در خواندن امرداد ؛

در مورد مچ گیری تان در رابطه با سخن مدیر مسئول در شماره پانزدهم امردادماه ۱۳۸۱ ، لازم به توضیح است که منظور از "اشخاص متمولی که قصد کمک رسانی بزرگ به امرداد را داشتند و با چراغ قرمز امرداد برخورد کردند " اشخاص بسیار ثروتمندی است که قصدشان "کل" دوهفته نامه امرداد با کمک‌های مالی بزرگ بوده است و مطمئناً کمک‌های این افراد باز هم با چراغ قرمز امرداد برخورد خواهد کرد ؛ پس منظور ما خیراندیشان دوستدار امرداد نبوده که در دو شماره آخر از آنها نام برده شده است ، که البته تشخیص آنها از دیگران کار مشکلی نیست .

مرد اونه که با مشکلات بجنگه

دکتر ابراهیم واحد

شنیده‌ایم که مردآن است که در کشاکش دهر ، سنگ زیرین آسیا باشد ، چقدر امثال این حرفها را شنیده‌ایم ؟ باور غلطی که ما را همیشه و در هر حال و شرایطی به درگیری و رویارویی با مشکلات می‌خواند درست مثل اینکه شما در مسیر عبورتان به کوهی برسید و اصرار داشته باشید ، سنگها را می‌شکافم و راهم را باز می‌کنم ، بجای آنکه کوه‌را دور بزنید که کاری عاقلانه‌تر و مقرون به صرفه‌تر است .

یا وقتی شش نفر آدم با دیلم از روبرو شما حمله می‌کنند و باور غلط شما این است که مرد اونه که بجنگه ، در این تفکر نتیجه‌ای جز خرد شدن جمجمه‌تان حاصل نمی‌شود ، حال آنکه اینجا راه چاره فرار است .

از بچگی به ما یاد داده‌اند که مثل اسب آسیاب با چشمانی بسته بدور بزنیم و نه اعتراض بر چشمان بسته کنیم و نه به بی‌حاصلی دایره‌ی نکبتی که طی می‌کنیم بیاندیشیم ، گویی باور کرده‌ایم راه‌حل دیگری برای مشکل وجود ندارد ، باید جنگید و جنگید شاید شاهد پیروزی را در آغوش گرفت .

چقدر این باور غلط ، انرژی‌مان را در زندگی خانوادگی یا شغلی یا اجتماعی به هدر برده است ، چه ایلهایی بوده‌اند که برای ده‌هزار تومان که از حقشان ضایع شده سیصدهزار تومان به وکیل داده‌اند و با فرسودن جان و روان خویش به اصطلاح به حقشان رسیده‌اند .

صحیح این است که هر مشکلی را با ترازوی عقل بسنجیم و اگر نتوانستیم راهی پیدا کنیم ، بدانیم که کلید هر مشکلی در یکی از این سه راه است ؛ یا جنگ با مشکل ، یا فرار از مشکل ، یا سازش با مشکل ، فکر می‌کنم فقط دور باطل و مشمئز کننده‌ی جنگ با مشکل را بکار غلطی است که اکثراً اعمال می‌شود و نتیجه‌اش تلف کردن وقت و انرژی و ضعف و بیماری جسمی و فشارهای روانی و تلخی زندگی‌مان بوده است .

چاره‌جویی و ارزیابی درست از مشکلات ، عقل سلیم می‌خواهد ، جنگ ، گریز و سازش سه راه حل ایلهانی هستند ، اینکه کدام راه را در مقابل مشکلمان انتخاب کنیم بستگی دارد به توانایی‌های ما ، امکانات ما ، شرایط ما ، نوع مشکل ، ...

و اگر این‌ها را درست به جای خودش انتخاب کرده باشیم گوی سعادت را ربوده‌ایم .

دبیر سرویس: آرش کسروی

همکاران: الیکا بقایی ،شاه بهرام پارکی، آرمیتا خوشرو، پری‌ناز رستمی ، سپیده رنجبر، پری کیومرثی ، کیوان هور،شاهرخ تهمورث زاده ، شهرزاد دهمورد

ف شرح

تساهل

برای ایجاد دموکراسی باید جامعه از سطح بالای تحمل و تساهل برخوردار باشد ، بطوری که افکار بتوانند در سطح وسیعی مطرح شدند . افراد جامعه باید اجازه بحث در مسائل را داشته باشند نه اینکه کسی برای جلوگیری از گفتگوی افراد با یکدیگر به زور متوسل شوند . در این صورت اکثریت مجبور به پذیرش نظرات اقلیت می شوند .

ویژگی مهم یک جامعه دموکراتیک ممکن است در هیچ یک از ترتیبات سازمانی قرار نگیرد ، اما در روح یا اراده آن مجموعه ، البته نه در قوانین ، بلکه در آنچه که موتسکیو آن را "روح القوانین " می‌نامید ، وجود دارد . مشکل این است که آیا بیان دیدگاه‌هایی که تهدیدی برای بقاء دموکراسی محسوب می شوند باید آزاد باشد یا خیر . وانگهی استدلال شده است که برخی از نظریات ضد اجتماعی نظیر نژادگرایی یا رفتار نامطلوب از جمله بهره‌کشی از بیچارگان نباید مجاز باشند ، زیرا این نظریات آزادی های فردی را تجدید می کند .

ظاهراً بسیاری از محدودیتها ، مقررات و قوانین ، ممکن است مانع آزادی شوند ، اما دولت‌ها معمولاً این محدودیت‌ها را برای مواردی که قاعده تساهل اجازه می‌دهد ، بکار می برند .

وب گرد

WWW. Noavar. Com

یکی از سایت‌هایی که خدمات پست الکترونیکی رایگان فراهم می کند سایت Noavar. Com می باشد . ویژگی این سایت محیط کاملاً فارسی آن است سایت نوآور را می‌توان یکی از بهترین سایت‌های فارسی در این زمینه دانست و از جمله امکانات کارآمد این سایت می توان موارد زیر را نام برد :

۱ـ خواندن پیامهای پست الکترونیکی و فرستادن Maill به زبان فارسی به هر نقطه دنیا و حتی کاربرانی که سیستم عامل آنها فارسی نمی باشد .

۲ـ حجم بالای ۱۵ مگا بایت فضا که از سایت yahoo 6 مگابایت و از سایت‌های دیگری که سرویس Web - maill فراهم می کنند ، حدود ۸ مگابایت بیشتر می باشد .

۳ـ انتقال پیغام‌های پست الکترونیک به صورت خودکار از هر حساب پست الکترونیک در اینترنت به صندوق پستی خود در نوآور و انتقال پیغام‌های الکترونیکی (For ward) به صورت خودکار از نوآور به صندوق پستی دیگر شما .

۴ـ استفاده از امضاء شخصی مورد نظرتان در پایان پیغامهای نوشته شده و ...

خوانندگی‌ها

رادیو ، ساعت رویایی

آنچه می‌بینید رادیو دو موجی است که در نوع خود یک سر و گردن بالاتر بوده و دلیل آن هم تفاوت فاحش آن با دیگر رادیوهاست . این وسیله صوتی دیجیتالی به غیر از پخش ایستگاههای رادیویی ، یک ساعت زنگ‌دار نیز دارد که شما را با صدای زنگ ملایم خود و یا نوای موسیقی ایستگاه رادیویی مورد نظرتان از خواب شیرین بیدار می کند .

اما از خصوصیات بارز آن وجود یک پروژکتور نوری است که به هنگام شب زمان را به رنگ سرخ بر روی سقف و یا دیوار منعکس می کند . بزرگی اعداد و همچنین وضوح آن قابل تنظیم بوده و با کنترل آن می توانید محیطی رویایی را برای خود فراهم کنید . در فضای تاریک شبانه نور ملایم و خوش‌رنگ زمان منقش بر روی سقف احساسی خوب را موجب می شود . ساعت را می توان به دو شکل ۱۲ و ۲۴ ساعت تنظیم کرد . انرژی لازم برای آن از طریق برق شهر و یا دو باتری سایز (A-A قلمی) تأمین می شود .

روزنامه

از : بو پر

b.OO/p.AR

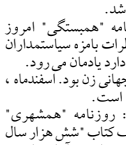

زندگی، جنگ و دیگر هیچ

شنبه ۸۱/۱۲/۱۷ : "رخشان بنی‌اعتماد" ، در "روزگار ما" گفت : هدف من از طرح معضلات و مشکلات اجتماعی در این فیلم ، دلسرد کردن جوانان از روند اصلاحات نیست ، هر چند معتقدم اصلاحات از مسیر خود منحرف شده است .

اولین شمارهٔ روزنامه "نسیم صبا" امروز منتشر شد .

یکشنبه ۸۱/۱۲/۱۸ : روز ترور و کشته شدن کسروی در صحن دادگستری در سال ۱۳۲۴ خورشیدی . اگر خواسته باشید از سرگذشت و آگاه شوید ، زندگی‌نامه خود نوشت او را بخوانید . او به دست فدائیان اسلام کشته شد .

ابراهیم نبوی در روزنامه "همبستگی" امروز نوشت : این روزها اینقدر نظرات بامزه سیاستمداران را می‌خوانیم که طنز نوشتن دارد یادمان می‌رود .

دیروز هفتم مارس ، روز جهانی زن بود . اسفندماه ، ماه مربوط به "زمین" و "زن" است .

دوشنبه ۸۱/۱۲/۱۹ : روزنامه "همشهری" دیروز نوشت : به نوشتهٔ مؤلف کتاب "شش هزار سال تاریخ" در نیمهٔ مارس (دو هفته مانده به آغاز بهار) در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد ، گشتاسب شاه کیانی به آیین زرتشت گرویید .

۹ مارس ۹۸۷ میلادی ، سالگرد درگذشت ابوشکور بلخی از شاعران دوران سامانیان است . او می‌گوید : تا بدانجا رسید دانش من / که بدانم همی که نادانم

سه‌شنبه ۸۱/۱۲/۲۰ : در چنین روزی در ۵۰۱ سال پیش ، شاه اسماعیل صفوی در تبریز تاجگذاری کرد .

در سال ۱۳۰۲ نیروی هوایی ایران با هفت هواپیما آغاز به کار کرد .

روزهای پایان سال به سرعت می‌گذرند و مجبورم کارهای عقب افتاده را با عجله و دست و پا شکسته انجام دهم . آیا زلزلهٔ دیشب را احساس کردید . هر شب که سر بر بالین می‌گذارم در انتظار زلزله‌ای هولناک در نگرانم !

چهارشنبه ۸۱/۱۲/۲۱: امروز سالگرد درگذشت ایرج میرزا شاعر خوش قریحه معاصر است که در عین حال یک شاهزاده قاجار هم بود . او در سال ۱۳۰۴ در تهران در ۵۴ سالگی درگذشت . به تازگی دیوان کامل ایرج میرزا به طور قاچاقی چاپ شده و به وفور روبروی دانشگاه تهران یافت می‌شود!

امروز سالگرد درگذشت کارل مارکس صاحب فرضیه سوسیالیزم خالص ، در ۶۵ سالگی ، در سال ۱۸۸۳ در لندن است .

پنج شنبه ۸۱/۱۲/۲۲: امروز تعطیل است . کتاب‌ها و نشریات فراوانی را برای خواندن انبار کرده‌ام ! ولی نمی‌دانم چرا حوصلهٔ هیچکدام را ندارم. فکر می‌کنم نتیجه‌ای از اینهمه خواندن و نوشتن عاید نمی‌شود ! از سوی دیگر می‌دانم که نمی‌توانم در برابر مقالات و نوشته‌های جالب مقاومت کنم و بالاخره به سراغ آنها خواهم رفت .

جمعه ۸۱/۱۲/۲۳: نوجوانی شانزده ساله ، می‌نویسد : فقر گرسنگی نیست ، فقر عریانی نیست. فقر گاهی زیر شمش‌های طلا خود را پنهان می‌کند. فقر همان گرد و خاکی است که بر کتاب‌های فروش نرفته یک کتابفروشی می‌نشیند. فقر کتیبه سه هزار ساله‌ای است که روی آن یادگاری نوشته‌اند. فقر به همه جا سر می‌کشد. فقر شب را بی‌غذا سر کردن نیست ، روز را بی‌اندیشه سر کردن است .

شنبه ۸۱/۱۲/۲۴ : روزنامه "یاس نو" امروز ، گفتگویی دارد با دکتر زهرا گویا ، با عنوان مدرسه و نیاز به تغییر جایگاه آن ، خواندنی ست .

امروز سالروز تولد رضاشاه است. او در سال ۱۲۵۶ خورشیدی در سوادکوه مازندران به دنیا آمد و در چهارم امردادماه سال ۱۳۲۳ در جزیره موریس در تبعید و در سن ۶۷ سالگی درگذشت .

کار جمع‌آوری و تألیف تاریخچه اردشیر، بنیان‌گذار دودمان ساسانی تحت عنوان "کارنامه ارشیر پاکان"، ۱۵ مارس سال ۳۰۰ میلادی پایان یافت. کارنامه اردشیر، قرن‌های متمادی پیش روی سران ایران، برای اداره کشور و چگونگی حکومت بود.

کارنامه اردشیر بابکان توسط روانشاد دکتر بهرام فره وشی تصحیح و دانشگاه تهران آن را چاپ کرد همچنین چاپ دیگری از آن توسط زنده یاد محمد جواد مشکور تصحیح شد و به چاپ رسید.

امروز "همشهری" یک ویژه نامه ۶۴ صفحه‌ای بسیار خواندنی و ماندنی منتشر کرد. مقالات و نوشته‌های جالب و خواندنی بسیار دارد. فردا سالروز تولد پروین اعتصامی است (۱۳۲۰-۱۲۸۵) .

یکشنبه ۸۱/۱۲/۲۵ : سومین کنفرانس جهانی تصاویر شاهنامه روزهای هشتم و نهم مارس سال جاری میلادی با شرکت اندیشمندان حوزهٔ ادب و هنر ایرانی در اسکاتلند برگزار شد، در حالی که هیچ محقق ایرانی در این کنفرانس جهانی شرکت نداشت. سومین کنفرانس شاهنامه، بخشی از پروژهٔ بزرگ شاهنامه شناسی است؛ پروژه‌ای که هدف آن ایجاد یک بانک اطلاعاتی از ۱۴ هزار تصویر شاهنامه است. تأمین مالی این پروژه را آکادمی علوم بریتانیا بر عهده دارد.

دوشنبه ۸۱/۱۲/۲۶ : آیا سایت "زنان ایران" را دیده‌اید؟ این سایت ، خبری - تحلیلی است و تحولات حوزهٔ زنان را پوشش می‌دهد . "شادی صدر" در این مورد می‌گوید اوایل پنج نفر بودیم و اکنون تعداد دست‌اندرکاران به بیست و پنج نفر رسیده است. آدرس سایت زنان ایران :

www.womeniniran.com

امروز نخستین دوره مسابقه نقاشی استوره توسط بنیاد فرهنگی جمشید برگزار شد.

سه‌شنبه ۸۱/۱۲/۲۷ : روزنامه‌های اصلاح طلب ، در برابر افزایش بی‌سابقه بودجه شورای نگهبان توسط مجمع تشخیص مصلحت، موضع گیری کرده و آن را به نقد کشیدند.

سال سیاسی ۸۱ را بیشتر جهان سرگرم تماشای ماجرای آمریکا با عراق بود که دستگاه رهبری آمریکا توانست با قدرت‌نمایی نظامی و تبلیغاتی خود آن را به مسئله‌ای برای تمام جهان بدل کند.

اکنون بوی باروت، بوی جنگ می‌آید و ... نمی‌دانم چه خواهد شد.

چهارشنبه ۸۱/۱۲/۲۸ : آیا بهار با لبخند می‌آید؟ ناقوس‌ها صدای جنگ می‌دهند و آتش‌ها برای گرم کردن نیامده‌اند، بلکه برای سوزاندن عجله دارند. سال نو به ما نزدیک می‌شود. ای کاش به جای سال نو ، صلح به ما نزدیک می‌شد. دغدغه و نگرانی از جنگ انسان را شکسته می‌کند. بهار باید با شادی بیاید نه با جنگ. آیا در فاصلهٔ نوشتن من و خواندن شما چه اتفاقاتی خواهد افتاد، خدا می‌داند.

پنج شنبه ۸۱/۱۲/۲۹ : امروز سالروز ملی شدن صنعت نفت ایران است . ۱۵ مارس ۱۹۵۱ (۲۴ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی) پس از سال‌ها مبارزه، تغییر کابینه‌ها و بالاخره ترور رزم‌آرا نخست وزیر وقت، طرح حزب مصدق و یارانش مبنی بر ملی شدن نفت کشور به تصویب مجلس شورا رسید. چهار روز بعد مجلس سنا نیز به رغم اعتراض شدید دولت انگلستان طرح را تصویب و همان روز به امضای شاه رسید. به پیشنهاد دکتر مصدق، ۲۹ اسفند روز ملی و تعطیل عمومی اعلام شد . از آغاز قرن بیستم به مدت بیش از پنجاه سال نفت ایران در انحصار انگلستان بود.

جمعه ۸۲/۱/۱ : آتش جنگ امریکا علیه عراق شعله می‌کشد. روز اول فروردین و سال نو را با اخبار جنگ آغاز می‌کنم. نمی‌دانم چرا نوروز امسال مثل هر سال نیست. صلح، آزادی و شادی سه بازوی زندگی انسان هستند که هر کدام نباشد، زندگی مختل و ناقص است.

نوروز سال ۱۲۰۷ به علت از دست رفتن شهرهای قفقاز، نوروز ۱۲۹۰ به سبب اجرای موافقتنامه انگلستان و روسیه مبنی بر تقسیم ایران و نوروز ۱۳۴۶ برای فوت دکتر مصدق، مردم ایران در اندوه بودند ... و اینک نوروز ۸۲ و آغاز جنگ .

می‌خواهم در این مدت استراحت کنم و با آغاز جنگ دیگر دل و دماغی حتی برای نوشتن یادداشتهایم ندارم !

روزنامه همشهری در شمارهٔ چهارشنبه گذشتهٔ خود نوشت : "نوروز" کهنسال‌ترین آیین ملی در جهان است که جاودانه مانده و آیین‌های برگزاری آن در عصر حاضر با سه هزار سال پیش تفاوت چندانی نکرده است. ترویج آموزش‌های زرتشت به نوروز چهره معنوی بخشید و آن را به صورت فرصتی برای زدودن اندیشه بد از روح و روان درآورد ... نوروز بزرگ ما زرتشتیان ، ششم فروردین زاد روز اشو زرتشت است.

شنبه ۸۲/۱/۹ : یک هفته استراحت ، دید و بازدید ، حرفها ، نگاه‌های گوناگون و ... که بیشتر آنها پیرامون جنگ بود.

مردم جهان بر علیه جنگ به پا خواسته‌اند ولی گوش هیچکس بدهکار نیست. هر روز هزاران تن پرداوود و مورخ برای ... (نمی دانم برای چه؟) بر سر انسانهای بی گناه فرو می‌ریزد .

دکتر محسن نوربخش رییس کل بانک مرکزی روز دوم فروردین بر اثر سکته قلبی درگذشت. او هنگام فوت ۵۴ سال داشت .

تقارن آغاز جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق، با تعطیلات نوروز باعث گردیده تا بسیاری از اخبار داخلی و خارجی فقط از طریق جعبه جادو دیده و شنیده شود و بسیاری ناگفته‌ها باقی بماند.

شنبه ۸۲/۱/۱۶ : پس از حدود بیست روز تعطیلی ، مراکز آموزشی و اداری، امروز کار خود را آغاز کردند.

از امروز بنزین هر لیتر ۶۵ تومان. از همین امروز اجناس به طور غیرمنتظره‌ای گران شده‌اند.

امروز سالگرد درگذشت پروین اعتصامی شاعرهٔ بنام ایران است. او در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد و در ۳۴ سالگی در ۱۳۲۰ در تهران درگذشت. دیوان او بارها به چاپ رسیده . کتابی است خواندنی و ماندنی.

روزنامه "اعتماد"، امروز مصاحبه ای دارد با شاهنامه پژوه فریدون جنیدی ،خواندنی ست.

یکشنبه ۸۲/۱/۱۷ : کاوه گلستان ، عکاس، فیلمساز ، تصویربردار و خبرنگار سرشناس ایرانی روز پنج شنبه گذشته در کردستان عراق و در جریان پوشش اخبار جنگ کشته شد. وی به همراه تیم خبری شبکه B.B.C ، مشغول تهیه گزارش از عقب‌نشینی نیروهای عراقی از مناطق اطراف اربیل بود که روی مین رفت و کشته شد. گلستان ۵۲ ساله بود و یک پسر ۱۹ ساله داشت. او بی‌نظیر و تکرار نشدنی بود . یادش گرامی باد.

دوشنبه ۸۲/۱/۱۸ : "خانه‌ای روی آب" ساختهٔ بهمن فرمان‌آرا پرفروش‌ترین فیلم نوروز ۸۲ شد.

۱۴ فروردین روز جهانی کتاب کودک و زادروز هانس کریستین اندرسن بود. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان روز پنج شنبه ۲۱ فروردین را برای گرامی داشت این روز برگزید.

بغداد محاصره شد. امروز روز جهانی بهداشت است . سازمان جهانی بهداشت در ۱۹۴۸ میلادی تأسیس شد.

سه شنبه ۸۲/۱/۱۹ : امروز جشن فروردینگان است . می گویند امروز زاد روز "بودا" است (۵۶۳ پیش از میلاد)

چهاردهم فروردین سالروز تولد شادروان استاد ابوالحسن صبا بود. نوشته‌ای جالب در این باره در روزنامه همشهری امروز به چاپ رسیده است .

احساس می‌شود که جنگ به پایان خود نزدیک می‌شود.

آمار داده شد که : تصادفات رانندگی در نوروز امسال ۱۶ درصد رشد داشته است .

و دوباره آمار داده شد که : ایرانیان ، به طور متوسط ، در یک سال تنها ۲۴ روز کار می‌کنند و بقیه‌اش یا تعطیل هستند و یا بیکار !

استاد علی اصغر مصطفوی شاگرد و همراه شرح مفصلی دارد از جشن فروردینگان ، خواندنی ست.

گویا قرار است "حسین پاکدل" از تئاتر شهر برود. پاکدل رییس تئاتر شهر عملکرد مثبتی داشته است. باید قبول کرد که او توانست تئاتر شهر را "قلب تئاتر ایران" کند و این از دست هر کس برنمی‌آید. جانشین او که باشد و چه بکند، خدا داند! وضع تئاتر هم مانند باقی هنرها اسفناک است !

پژمان فخاریان، فردین خلعتبری، کیوان جهانشاهی و محمد بلوکات به زودی سه آلبوم با نام های "گاتها" و "مانترا"(۱) و(۲) را وارد بازار موسیقی می کنند. پژمان فخاریان که در دانشگاه ،ایران شناسی خوانده است به مدت ده سال بر ادیان مختلف تحقیق کرد و برای آگاهی کامل از ایران باستان به تمام دنیا سفر کرد حاصل ده سال تحقیق و مطالعه و زندگی در معبد ،کلیسا و دیر ،نوشتن چند جلد کتاب ،ساختن فیلم برای سینما و تلویزیون و آهنگ سازی بر اساس موسیقی فولکلور است .به گفته فخاریان گروه "ویسپرد" کار روی این موسیقی را از یک سال پیش شروع کرده است و بر اساس "اوستا" سه آلبوم موسیقی خود را عرضه می کند.فخاریان می‌گوید:"در این آلبوم هاموید رستم فیروزگری بخشی از "گات ها" و "مانترا" را به سبک اوستایی می‌خواند و دو خواننده وکال نیز به سبک فولکلور ترجمه فارسی "گات ها" و "مانترا" را می خوانند."

سه آلبوم گروه "ویسپرد" به زودی وارد بازار می‌شود و شما می توانید آوای ایران باستان را در کار این گروه بشنوید.

دبیر سرویس: پریسا رستمی
همکاران: این شماره: فریبا سرداری، بهاره کیومرثی، شاه بهرام پارکی، بهروز شادلو، کورش قاسمیان

درودی دوباره

نویسنده: پیمانه سروش پور

نمایش مذهبی نونهالان زرتشتی

با آهنگی نغز، به حرکت در می آیند، آرام و موزون. تا با برترین زبان از برترین سخن ها بگویند.

سپنتامینو و انگره مینو، همزاد و هم چهره و هم نیرو، رقص گونه و موزون به نبرد می پردازند و شش سپید جامه با شمع روشن خرد در دست، به نماد شش امشاسپند نبرد آن دو را به نظاره می نشینند. این نبرد بالاخره با پیروزی سپنتامینو به پایان می رسد و شش امشاسپندان، فروزه های نیک اهورایی و روشنگران ذهن انسان این پیروزی را جشن می گیرند و شعله های روشن شمع و نونهالان و نوجوانان سپید جامه بر روی صحنهٔ نمایش، قلم را سرشار از غرور و ستایش می کند، با افتخار در گوش دو ستم زمزمه می کنم: این یک نمایش مذهبی بود برگرفته از سخن اشوزرتشت: "آن دو گوهر همزادی که در آغاز آفرینش در ذهن انسان پدیدار شدند یکی نیکی است و دیگری بدی در اندیشه، گفتار و کردار، انسان خردمند از میان این دو، راستی را برخواهد گزید ولی شخص نابخرد چنین نخواهد کرد."

و سپس از شش مرحلهٔ پیشرفت و عرفان برایش می گویم او که در طول نمایش چندین عکس گرفته و مبهوت از زیبایی های آن، با دقت به گفته هایم گوش می دهد و راضی از آن به این جشن تحسین می کند. و من نیز به این نوجوانان و نونهالان توانمند زرتشتی می بالم و به مربیان و سرپرستان دلسوز مهدکودک سپند درود می فرستم. و قلم به دست می گیرم تا بگویم خسته نباشید. به انتظار گامهای بلندتر و کارهای زیباتر شما در آینده هستیم.

با درود به خوانندگان گرامی و عرض پوزش، به اطلاع می رساند که بخش های بعدی متن سخنرانی خانم توران شهریاری در هفتمین کنگرهٔ جهانی زرتشتیان، در شماره های آینده از پی گرفته می شود. بخش نخست این مطلب در شمارهٔ پیشین با عنوان "تأثیر جهان بینی زرتشت بر شعر و ادب عرفان فارسی" آماده بود.

آثار روانی رنگها:

تهیه و تنظیم: نرگس صاحب اختیاری

سه رنگ اصلی در هنرهای تجسمی زرد، قرمز و آبی نام دارند. و رنگهای سبز، نارنجی و بنفش رنگهای ثانویه نامیده می شوند. هر یک از این رنگها خصوصیات و ویژگیهای خاصی را دارا می باشد.

رنگ زرد: روشن ترین رنگ در دایره رنگی است. زردطلایی رنگ، درخشندی ملایم دارد و بدون وزن و نامتعادل است. در نقاشیهای قدیمی از این رنگ به عنوان سمبل آخرت، شگفتی، پادشاهی و سلطنت، نورخورشید استفاده شده است. زرد نشان روشنی و نور است با فهم دانایی ارتباط دارد و نمایشگر دانش و معرفت است. گرانوالد بیش از دیگر نقاشان به بیان سمبولیک رنگ زرد آگاهی داشته و به نظر او حضرت مسیح (ع) در دریایی از نور زرد به سوی آسمان صعود می کند. رنگ زرد با شکل مثلث مرتبط است.

رنگ قرمز: رنگی است بسیار انعطاف پذیر که به حالات مختلفی در می آید. قرمز سمبل حیات و زندگی است و بیان کننده هیجان و شورش است. آنرا همرنگ ستارهٔ مریخ می دانند و علامت جهان متلاطم، جنگ و شیاطین بوده و نشانی تثبیت شده از مبارزه، انقلاب و شورش است. قرمز نارنجی و قرمز ارغوانی دو نقطه مقابل هم بوده اولی شرور و شیطانی بوده و دومی پاک و آسمانی. رنگ قرمز در قالب مربع جای می گیرد.

رنگ آبی: همواره متوجه درون است و با اعصاب پیوسته است. رنگی پر قدرت در طبیعت و دوران خودنمایی آن در فصل زمستان است و همیشه نامحسوس است. آبی در فکر و روح ما داخل می شود و با روان آدمی پیوند می خورد. معنی ایمان می دهد و اشاره ای به فضای لایتناهی و روح دارد. آبی تیره معنی وهم، بیم و ترس و غم و اندوه می دهد. کاراکتر اسرارآمیز رنگ آبی و سکوت و آرامش این رنگ همیشه در تابلوهای مذهبی مسیحیت به کار گرفته شده و اغلب اوقات لباس حضرت مریم (ع) با آبی رنگ آمیزی شده است. یکی از بهترین نمونه ها تابلوهای مذهبی اثر وان درویدن است .هم چنین لباس آبی رنگ حضرت مسیح (ع) در تابلو (شکنجه مسیح) اثر گرانوالد از نمونه های گویا و معروف است. در اکثر آثار گرانوالد و سایر نقاشان رنگ آبی نشانه فروتنی، ایمان و اعتقاد است و برای نشان دادن مقاومت و تحمل و حضرت مسیح (ع) و سایر قدیسین به کار رفته است. رنگ آبی با شکل دلیره مطابقت دارد.

رنگ سبز: رنگ دنیای سبزیجات است و معلول عمل فتوسنتز گیاهان. نشان دهنده ارضاء، آرامش و امیدواری است. رنگ سبز آمیزشی است از دانش و ایمان. وقتی که به زرد متمایل می شود احساس جوانی و نیروی بهاری به وجود می آورد.

رنگ نارنجی: مرکب از زرد و قرمز است و درخشش و تابندگی فوق العاده دارد مانند تابش خورشید. و دارای حد اعلای گرما است.

رنگ بنفش: رنگ مقابل زرد در دایره رنگی است. و نشان گریی خبری، بی اختیاری، ظلم و دشواری است. مرموز و برانگیزننده احساسات است. گوته در مورد بنفش گفته است :[اشاره ای است به ترس زیاد، آخرت و انتهای جهان] بنفش در دایره رنگی مبین دینداری و تدین است و زمانی که تیره می شود اوهام و خرافات را می رساند و زمانی که روشن شود نشانهٔ تقدیس است. این رنگ سمبل هرج و مرج، ستایش و عظمت است.

زوج های مکمل:

زرد + بنفش = (درخشندگی، علم و معرفت + تیرگی، تقدس عاطفی، تقوی)
آبی + نارنجی = (ایمان متواضعانه، اعتقادی فروتنانه + غرور و عزت نفس)
قرمز + سبز = (نیروی مادی + رقت و همدردی)

رنگهای ترکیبی (مرکب)

قرمز + زرد = نارنجی
قدرت + دانایی و معرفت = غرور و عزت نفس
قرمز + آبی = بنفش
عشق + ایمان و عقیده = تقوی، الوهیت
زرد + آبی = سبز
دانایی و معرفت + ایمان و عقیده = شفقت و همدردی

زمستان سرد به پایان رسید

کوله بارش را برداشت و رفت. آرام آرام در جاده ی با جامه سپید، بی صدا رفت. آری! او: هنرمندی که از ۹ سالگی پا در صحنهٔ بازی زندگی نهاده بود در سکوت شب، خموش، دفتر هستیش را بست و رفت.

او دیروز رفت و امروز تا فرداهای دگر، خاطراتش در دفتر خاطرات اذهان باقی است.

رضا ژیان هنرمند تأثر، سینما و تلویزیون در ۲۰ شهریور ۱۳۲۸ زاده شد.

وی درباره فعالیت های حرفه ای اش گفته است: "زندگی تئاتری ام را به پنج دوره می توان تقسیم کرد."

دوره اول (دوره عاشقی و نوجوانی)، اگر کارهای دبستان و دبیرستان و خانه پیش آهنگی و کاخ جوانان را کنار بگذاریم، باید بگویم سه سال همکاری در دو سریال تلویزیونی "حرف تو حرف"، "حسن خیاط باشی" و "سرزمین افتخار"، شجاع الدین مصطفی زاده در شکل حرفه ای من و آینده کاریم بسیار مؤثر بود.

دوره دوم (دوران آموختن و رشد)، در سال ۱۳۴۸ به عنوان نخستین بازیگر در (کارگاه نمایش) اولین ورکشاپ تئاتری در ایران استخدام شدم و تا سال ۵۷ که این محل (وابسته به تلویزیون و فستیوال شیراز بود) تعطیل و منحل شد. در آن بازیگری را با کارهای ارزشمند اسماعیل خلج، به عنوان همکار و بازیگر در (گروه تئاتر کوچه) آموختم. چند کار مشخص در این گروه عبارتند از تئاتر "مش رحیم و گلدونه خانم"، "صغرادلاک"و ...، جدا از گروه کوچه با گروه بازیگران شهر نیز کار کرده ام، "جان نثار" نویسنده و کارگردان بیژن مفید و ...

دوره سوم (بعد از انقلاب ـ دوران پاسخ دادن و حرفه ای شدن)، کارهای این دوره عبارتند از (زیبا اهل خرم آباد) کار اسماعیل خلج، سریال (محله برو و بیا و محله بهداشت) بازیگر، سینما (چوپان کویری)، (آتش در زمستان) و طلوع (فیلم تلویزیونی) و ....

دوره چهارم ـ دوران مهاجرت (آزمونی سخت و تازه در زندگی و حرفه)، رضا ژیان در سال ۱۳۶۴ به آمریکا مهاجرت کرد. در آن جا به همراهی چند تن از دوستانش دست به تجربه نوعی از تئاتر زد که خودش از آن به عنوان تئاتر (متکی به گیشه و با قابلیت سفر و هنرپیشه کم) نام برده است.

او گفته بود در روشن نگاه داشتن چراغ تئاتر ایرانی در خارج از کشور سهم داشتم و رکشایی را به نام (کارگاه تئاتر تهران) راه انداختم که حاصلش اجراهایی در لوس آنجلس ایالت کالیفرنیا و تگزاس بود.

دوره پنجم (دوران بازگشت، تولدی تازه)، شرکت در چند نمایش تلویزیونی به عنوان بازیگر، (طنزآوران جهان) و در مجموعه تلویزیونی "تهران" نویسنده حمید جبلی کارگردان مرضیه برومند، "آژانس دوستی" نویسنده و کارگردان حمید جبلی، فیلم سینمایی مرد عوضی.

یاد آن بزرگ مرد هنرمند گرامی باد.

دیار مهر

دکتر خسرو فرشیدورد

این خانه قشنگ است ولی خانهٔ من نیست
این خاک چه زیباست ولی خاک وطن نیست
این کشور تو این وطن دانش و صنعت
هرگز به دلاویزی ایران کهن نیست
من عاشق آن خاک غزل پرور پاکم
هر چند که بسیار در آن دانش و فن نیست
در مشهد و یزد و قم و کاشان و لرستان
لطفی ست که در برلن و دهلی و پکن نیست
در بابل و گرگان و خراسان و بروجرد
نقشی ست که در قاهره و مصر و یمن نیست
در دامن بحر خزر و ساحل گیلان
موجی ست که در ساحل دریای عدن نیست
در پیکر گلهای دلاویز شمیران
عطری است که در نافهٔ آهوی ختن نیست
آوارگی و خانه بدوشی چه بلایی ست
دردیست که همتایش در این دیرکهن نیست
آواره ام و خسته و سرگشته و حیران
هر جا که روم هیچ سرا، خانهٔ من نیست
من بهر که خوانم غزل سعدی و حافظ
در شهر غریبی که در آن فهم سخن نیست
هر کس که زند طعنه به ایرانی و ایران
بی شبهه که مغزش به سر و روح به تن نیست
پاریس قشنگ است ولی نیست چو تهران
لندن به دلاویزی شیراز کهن نیست
هر چند که سرسبز بود دامنهٔ آلپ
چون دامن البرز پر از چین و شکن نیست
این کوه بلند است ولی نیست دماوند
این رود چه زیباست ولی رود تجن نیست
این شهر عجیبی ست ولی شهر غریبی ست
این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست
هر جا که روم روی به هر سوی که آرم
فکرم به جز از فکر وطن ذکر وطن عشق وطن نیست

نیلوفرانه

پروین اعتصامی بزرگترین زن شاعر ایران

پروین اعتصامی بزرگترین زن شاعر ایران است. او در روز ۲۵ اسفند ماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تبریز به دنیا آمد. از هشت سالگی شروع به شعر گفتن کرد. تحصیلات خویش را در مدرسه آمریکایی تهران به پایان رساند و در همان جا مشغول به تدریس شد.

این شاعر معاصر ایرانی و چیره دست در قصیده از سبک خراسانی پیروی می کرد و در مضامین اجتماعی، پند و اندرز و در مضوعات عمومی، نکته ها ی لطیف و حکیمانه شعر می سرود. دیوان وی شامل مثنویات و قصاید است. وی در ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ به مرض حصبه در گذشت و در قم در صحن حضرت معصومه مدفون شد. قسمتی از سروده وی برای سنگ مزارش:

این که خاک سیهش بالین است
اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید
هرچه خواهی سخنش شیرین است

مردی که پشت لنز می خوابید

کاوه گلستان بزرگترین عکاس جهان در جبهه کردستان عراق کشته شد. او هنرمند بزرگی بود. او یک چهره جهانی بود. برنده جایزه شجاع ترین عکاسان جهان (کاپا)، برنده جایزه بهترین عکاسان دنیا (پولیتزر)، مهمترین عکاس خبری قرن، مردی که پشت لنز می خوابید، پشت لنز می خورد و پشت لنز حرف می زد، کسی که پشت لنز هم فدا شد و البته این برازنده و شایسته اوست، مثل سربازی که بخاطر عشق می میرد، کاوه در وسط میدان، وسط دوربین ها و لنزهایش و مطمئناً در کمال شور و هیجان یک مرد عاشق مرد. عشق به کارش، هنرش و یاوری که فقط کسی چون او می تواند درکش کند.

کاوه ۵۲ سال داشت. عکاس، فیلمساز، تصویربردار و خبرنگار سرشناس ایرانی، وی همراه تیم خبری شبکه بی بی سی به عنوان تصویربردار مشغول کار بود.

گلستان با گرفتن عکس های کم نظیر از رویدادهای انقلاب اسلامی خود را به عنوان یکی از برجسته ترین عکاسان خبری ایران به جهانیان شناساند. او همواره با افتخار می گفت: تمام حوادث مهم انقلاب را از نخستین جرقه ها تا ۲۲ بهمن ۵۷ عکسبرداری کرده به استثنای حادثه ۱۷ شهریور، او عکاس جنگ ایران و عراق هم بود و عکس اشک کودک کردستانی او معروف است.

او در سالیانی که در دانشگاههای مختلف، عکس خبری تدریس می کرد نگاه دانشجویان را نسبت به این رشته تغییر داد. مرگ او یادآور کشته شدن "رابرت کاپا" اسطوره عکاسی جنگ که در اثر انفجار مین در جریان جنگ کره بود.

ما نیز از دست دادن زنده یاد کاوه گلستان را به پدر و مادر، همسر، پسر و خواهر او لیلی گلستان تسلیت می گوییم. یاد و نامش جاوید.

سخن دل

با سپاس از بهروز شادلو

نوبهاران

ناز نینا نوبهاران آمده
سنبل و سوسن به بستان آمده
در گلستان بین عجب غوغا بود
بلبل خوش خوان به آواز آمده
کوهساران غرق در عطر و گیاه
جلوه ای بر دشت و دامان آمده
آهوان افتان و خیزان در چرا
این غزالان را دل و جان آمده
تو بیا بر سوی گلشن ها رویم
لاله ها از نو به گلزار آمده
از چمن رقصان و شادان بگذریم
چون بدلها عشق دلدار آمده
چکامه از: زیور ضیاء تبری

قاب امرداد

چه زیباست خواندن و چه زیباست آوای خوش هنرمندانی چون بنان، شجریان، ایرج، همایون کاظمی، کوروش یغمایی، محمد اصفهانی و رضا رویگری، هنرمندانی که با شنیدن نغمه هایشان عشق را بخاطر می آوریم، عشق به هنوع، عشق به وطن و عشق به خویشتن. آری به راستی چه زیباست آوای خوش این عاشقان و عاشقانه خواندنشان.

نام ترانه	خواننده	آهنگساز	اشعار
دلدادگی	محمد اصفهانی	کامبیز روشن روان	مولانا، رهی معیری، محمد علی جاودانی و ...
هاله گم	بنان	مرتضی محجوبی	تورج نگهبان، نواب صفا
فریاد	شجریان	محمدرضا شجریان، حسین علیزاده	سعدی، حافظ، انوار ثالث، شفیعی کدکنی
گلبانگ ۲	ایرج	حبیب بلبلی	سایه و سعدی
به یاد آن گلدونه	همایون کاظمی	حبیب بلبلی	معین کرمانشاهی
تلنگر دوتا نقره ای	کوروش یغمایی	کوروش یغمایی	نوذر پلنگ، حسین منزوی
فوفا	رضا رویگری	رضا رویگری	گوناگون

اخبار خاص

نویسنده: کورش قاسمیان

اولین تیر روز سال

بر خلاف آنچه که امروزه در باورهای مردم، «سیزدهمین روز فروردین از ناخجستگی برخوردار است در باورهای باستانی ساکنان ایران زمین نه تنها هیچ روزی از روزهای سال بدشگون نبوده بلکه همه روزهای سال، از روزهای نیک مزدا به شمار می رفتند و تنها روزی، که دروغ و خشکسالی و دشمن سرزمینهای ایرانی را فرا بگیرد، ناخجسته می دانستند.

در نوشته های کهن تاریخی و ادبی ایران هم به ناخجستگی این روز هیچ اشاره ای نشده است.

شاید هم اندیشه ناخجستگی عدد سیزده و باور به بدشگون بودن آن در میان ایرانیان از اندیشه ها و باورهای غیرایرانی بوده که احتمالاً از راه ارتباطهای بازرگانی و فرهنگی به این سرزمین راه یافته است.

در تأیید این نظر استاد رضا شفق منشاء این عقیده را یونانی دانسته و نوشته است:

به عقیدهٔ یونانی های قدیم، انجمنی مرکب از خدایان دوازده گانه منعقد بوده و سیزدهمی وارد شده و یکی از آنها را کشته و این مجلس را به هم زده و از همان روز عدد سیزده بدشگون گشته. این عقیده با رسوخ غریبی در تمام جهان متمدن آن زمان انتشار یافته و مردم به همان عقیده گرویدند و از عدد سیزده ترسیدند.

مسیحیان جهان نیز از زمانهای بسیار پیش عدد سیزده را نحس می شمردند و از آن دوری می جستند. به باوری کهن به هنگام آخرین شام حضرت عیسی، سر سفرهٔ غذا سیزده تن بودند که یکی از آنها خیانت کرد و به دشمن حضور عیسی را در آنجا خبر داد و او را دستگیر و مصلوب کردند. از این رو مسیحیان بر سر سفره سیزده نفر نمی نشینند و آن را بدشگون می دانند.

اما علت بیرون رفتن مردم از خانه در سیزدهمین روز سال نو این است که: این روز به نام تیر نامیده می شود و نخستین تیر روز سال است و تیر یا تشتر هم که ایزد آب و بارندگی است مردمان سرزمینهای آریایی که در فلاتی کم آب به سر می برند برای طلب باران در این روز از خانه بیرون می رفتند که طلب باران کنند نه اینکه بدشگونی آن را از خانه و خود دور دارند.

می توان مراسم قالیشویی مشهد اردهال در نخستین تیر روز سال را بازماندهٔ سال نو هخامنشی دانست.

و تیشتر در باورهای آنان اینچنین نقش بسته بود:

« تشتر ستارهٔ رایومند فرهمند را می ستاییم (که) نطفهٔ آب در بردارد (آن) توانای بزرگ نیرومند دور بینندهٔ بلند پایهٔ زبردست را که از او نیک نامی آید و نژادش از اَیَم نهات است. برای فروغ و فره اش او را می ستاییم.» (تیر یشت بند ۴ یشتها جلد ۱ زنده یاد استاد پورداود)

و این روز به علت اینکه در ایران سال نو متفاوت بوده (گاهی اول پائیز و گاهی اول تابستان این رسم) در باورهای مردم باقی مانده است.

نمونه ای از آن مراسم قالیشویی مشهد اردهال کاشان است که در نخستین تیر روز سال مطابق با دومین جمعه مهرماه برگزار می شود نشان دهندهٔ آغاز سال رسمی و کشاورزی در گذشته است که شاید بازماندهٔ همان سال نو هخامنشی باشد.

و نمونهٔ موجود آن همان جشن تیرگان یا آبریزان است که بند ۳۶ تیریشت نشان دهندهٔ این است که در زمان سرایش این یشت آغاز سال نو از ابتدای تابستان بوده است.

همهٔ موجودات چشم براه بردمیدن تشتر هستند، و تشتر را نوید دهندهٔ سالی خوب یا بد می دانستند.

(می ستاییم ستارهٔ درخشان و شکوهمند تشتر را: آنگاه که سال مردمان به زودی به سرآید، فرمانروایان خردمند و جانورانِ آزادی که در کوهستان ها به سر می برند و درندگان بیابان نورد، چشم به راه بردمیدن او هستند. او که پس از بردمیدنش، سالی خوب یا سالی بد برای کشور آورد. آیا سرزمینهای ایرانی از سالی خوش بهره مند خواهند شد؟)

در ضمن در باورهای ایرانیان مانند بیشتر مردم باستان، نکوشیده اند تا ایزدان طرف ستایش، نیایش خود را از جهان پرگسترهٔ خیال و سینهٔ فراخ آسمان بی کران به پائین برکشند و به آنان، نعمتی در دسترس بخشند و در طاقچهٔ اتاقشان بنشانندشان، تشتر بتی نیست که با دست انسان ساخته شده باشد و از طاقچه، برخاک فرو افتد و گوشهٔ لب و بینی ودهانش پریده باشد و بعد از مدتی از یادها برود، او در آسمانها ماند، نیایش کردن او هم باقی ماند، فقط از حالتی به حالت دیگری تغییر شکل داده است. او باید در آسمانها بماند و چهرهٔ زشت و دست سازی نداشته باشد. تا اهورامزدا او را مانند خود بداند.

(ای سپنتمان زرتشت، آن ستارهٔ تشتر را که شایستهٔ ستایش بودن برابر، که برازندهٔ نیایش بودن برابر، که تکریم او را خشنود ساختن برابر، در خور ستایش و نیایش بودن خودم، که اهورامزدا هستم بیافریدم.)

بند ۵ تیریشت.

تشتر ستاره و ایزد فرهمندی است که تمام آفریده های سپنتامینو خواهان دیدارش هستند.

(آنهایی که در زیرزمین بسر می برند و آنهایی که در آب، و آنهایی که در خشکی می زیند و آنهایی که پرنده اند و خزنده اند ...)

بند ۴۸ تیریشت.